

تحلیل آثار گرافیکت.....کنی اسکارف، هنرمندی با گرایش های پاپ و سوررئال

رقیه السادات وزیری بزرگ

دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی، دانشکده هنر و معماری یزد

دکترعلی اکبر شریفی مهرجردی

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

چکیده

گرافیکتی در دهه ۱۹۸۰ در نیویورک ظهور کرد. کیت هارینگ^[۱]، ژان-میشل باسکیا^[۲] و کنی اسکارف^[۳] از هنرمندان گرافیکتی آن دوره بودند. کنی اسکارف هنرمندی بود که نمادهای برآمده از فرهنگ پاپ را در ناخودآگاه ذهن خود جای داد. اسکارف موجودات تخیلی ذهن ناخودآگاهش را در فضای کیهانی به تصویر کشید. او از پاپ آرت^[۴] به پاپ لایف^[۵] رسید و نمادهای هنر پاپ را متعلق به زندگی و درون خود می دانست. او هنرمندی است که برجسب های نقاش، گرافیکتیست و هنرمند حوزه چیدمان را با خود دارد؛ در حوزه داستان های کمیک و فرهنگ پاپ فعالیت می کند و نشانه های فرهنگ پاپ و محیطی علمی تخیلی در آثارش دیده می شود. با این وجود این هنرمند برجسب هنرمند گرافیکتی را نمی پذیرد او خود را هنرمند پاپ-سوررئال^[۶] می داند و هدفش زندگی کردن در کنار مردم است. در این مقاله به شناخت سیر تحول آثار وی و تفکراتش از طریق مصاحبه های انجام شده از او می پردازیم.

1- Keith Haring

2- Jean-Michel Baskya (1988-1960)

3- kennyscharf

4- Pop art

5- Pop Life

6- Surreal



هنر خیابانی هنری است که جایگاه آن در خیابان است و هنرمند خیابانی در خیابان و کوچه‌ها نقاشی می‌کند؛ اما به راستی جایگاه کدام مکتب و سبک هنری خارج از خیابان بوده است. هنر خیابانی برچسبی است برای هنری که هنرمند، دیوارهای خیابان را بوم خود می‌پندارد. تفکر این هنرمند می‌تواند از بستر هنرپاپ، سوررئال، رئال، اکسپرسیون^[۷] یا مکتب‌های هنری دیگری برخیزد. هنری سرکش که پنهان نمی‌ماند و در خیابان داد سخن می‌راند. هنری که تحقیر می‌شود و به قول عکاسی فرانسوی: «گرافیتی هنر حرامزاده خیابان‌های بدن‌نام است»، اما همین هنر حرامزاده خیابان‌های بدن‌نام زبان بسیاری از هنرمندان معروف پاپ شده است. هنری ارزشی که بستر مناسبی برای بیان ایده‌های سیاسی و اجتماعی است.

هنر خیابانی را که نقاشی دیواری و گرافیتی می‌نامند، می‌تواند انعکاس‌دهنده جریان فرهنگی و اجتماعی یک شهر و دوره تاریخی باشد. دیوارهایی که حرف می‌زنند و از جریان‌های سیاسی و تفکرات درونی ملتی صحبت می‌کنند. البته گاهی نقاشی نقش شده بر دیوار گویای مفهومی است که به وضوح پیامی سیاسی را منتقل نمی‌کند بلکه دیوار حامل نقاشی‌های ذهنی بر آمده از ناخودآگاه هنرمند است. نقاشی‌های دیواری کنی اسکارف بر اساس گفته‌های خود هنرمند از جمله نقاشی‌های است که برآمده از ناخودآگاه است پس می‌توان گفت هنر خیابانی کنی اسکارف هنر خصوصی او است. در این مقاله با تکیه بر نقاشی‌های دیواری او به بررسی تفکرات و نظراتش می‌پردازیم.

گرافیتی در دهه ۱۹۸۰

در آغاز دهه ۱۹۸۰ در همه جا شاهد افزایش نشانه‌های تکنولوژیکی و شهری هستیم که در جستجوی فضاهای شهری اثرگذاری بودند. این فضاها می‌توانستند شامل پلاکاردهای تبلیغاتی، واگن‌های تبلیغاتی، واگن‌های مترو، دیوارهای محله‌های حاشیه شهرها و مواردی از این دست باشند. گرافیتیسم بیشتر در نیویورک و با هدف دادن هویتی تازه به هنرمند به دور از تکنیک‌ها و مکان‌های مدون برای هنر گسترش یافت تا به کمک خود و نشانه خاص خود با مکان‌ها و نشانه‌های بی‌شمار شهری مواجه شود (پارمزان، ۱۳۸۸).

در آغاز دهه ۱۹۸۰ در نیویورک سپس در سراسر دنیا پدیده گرافیتیسم ظهور یافت. مهم‌ترین نمایندگان این جنبش کیت هارینگ^[۸]، ژان-میشل باسکیا^[۹]، ای وان^[۱۰]، آینده^[۱۱] و ۲۰۰۰^[۱۲] و هنرمندان دیگری بودند. این هنرمندان با الهام از محله‌های سیاه‌پوست‌نشین برانکس^[۱۳] و بروکلین^[۱۴]، خیابان‌ها و فرهنگی ابتدایی، نوعی نشانه-نقاشی پر جنب‌وجوش را در فضای تبلیغاتی شهری یا واگن مترو و سپس در گالری‌ها و موزه‌ها اجرا می‌کردند. آن‌ها بیشتر به دنبال زبان هنری بودند که در آن صورت به هیچ معنایی باز نگردد. این نشانه‌ها در ساختار و مواد به کار رفته هرج و مرج طلبانه، منطبق بر فن آوری، برگرفته از واقعیت و در مواجهه با آن بودند. آن‌ها از اسپری‌های رنگی و موادی با ماندگاری بالا استفاده می‌کردند (پارمزان، ۱۳۸۸).

حرفه و سیر تحول آثار

کنی اسکارف در سال ۱۹۵۸ در لوس آنجلس به دنیا آمد. او مدرک کارشناسی هنرهای

۷-هیجان‌نمایی یا اکسپرسیونیسم (Expressionism) نام یک مکتب هنری است.

- 8- Keith Haring
- 9- Jean-Michel Basquiat
- 10- A.One
- 11- Future2000
- 12- The Bronx
- 13- Brooklyn

زیبا را از مدرسه هنرهای تجسمی منهن^[۱۴] نیویورک گرفت. در همین مدرسه بود که اسکارف با کیت هارینگ، ژان میشل باسکیا و ژان سکس^[۱۵] آشنا شد. اسکارف علت آمدنش به نیویورک را آشنایی با فرهنگ پاپ می‌داند. از شخصیتی مانند اندی وار هول^[۱۶] نام می‌برد که در آن روزها برای وی الگو بوده است. گرایش اسکارف به هنرمدرن از مدرسه سنتا باربارا^[۱۷] آغاز شد. جای که به کارهای اندی وار هول توجه کرد و کپی‌های از آثار جکسون پولاک انجام داد. بهترین استادش در آن مدرسه نوئل ماهافی^[۱۸] است. هنرمند فوتورئالیستی که استفاده از قلمو و تناسب و ترکیب را به وی می‌آموزد.

در حال حاضر اسکارف در بروکلین نیویورک زندگی می‌کند. هنرمندی که برچسب‌های نقاش، گرافیتیست و هنرمند حوزه چیدمان را با خود دارد و در حوزه داستان‌های کمیک و فرهنگ پاپ فعالیت دارد. نشانه‌های فرهنگ پاپ، محیط علمی-تخیلی، موجودات خیالی و شخصیت‌های کارتونی در آثار او به وفور دیده می‌شود. شخصیت‌های کارتونی انیمیشن جتسون^[۱۹] ساخته هانا باربرا در بسیاری از آثار اسکارف به ویژه کارهای اولیه او دیده می‌شود (تصویر شماره ۱)؛ اما او کم‌کم شروع به خلق تصاویر «بیومورفیک»^[۲۰] کرد (تصویر شماره ۲). اسکارف در دهه ۱۹۸۰ در فعالیت‌های هنری روستای شرقی، منهن شرکت داشته است. شهرت وی بیشتر به خاطر همین فعالیت‌های دهه ۸۰ است شامل نمایش‌هایی که در گالری فان (۱۹۸۱) و گالری تونی شفرازی (۱۹۸۴)^[۲۱] اجرا کرد. در همین زمان بود که او جلد هنری برای آلبوم استودیویی چهارم با عنوان: «قوی کردن ماهواره‌ها» انجام داد.

14- Manhattan

15- John Sex

16- Andy Warhol

17- Santa Barbara

18- Noel Mahaffey

۱۹- Jetsons the: کارتون آمریکایی جتسون ساخته هانا باربرا در قسمتهای مختلف در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ پخش میشد. این کارتون شامل زندگی شخصی به نام جتسون به همراه خانواده‌اش در آینده تخیلی بود. دیدار جتسون از عصر حجر مربوط به قسمتهای از این مجموعه است.

۲۰- Biomorph: سبکی در طراحی که در آن، شیء، طوری فرم و شکل داده می‌شود که یک موجود یا مخلوق ارگانیک و زنده را یازنمایی کند.

21- Fun gallery (1981) and Tony Shafrazi (1984).



تصویر شماره ۴: عنوان: آینده طبیعت (۲۰۱۰)، اندازه: ۸۵۵x۱۲۸۰ پیکسل



تصویر شماره ۵: عنوان: غار کیهانی (۱۹۹۶-۱۹۹۵)، تکنیک: چیدمان



تصویر شماره ۱: عنوان: عصر حجر (۱۹۸۲)، تکنیک: آکرلیک بر روی بوم، اندازه: ۱۲۱/۹۲x۳۶x۴۸x۹۱/۴۴



تصویر شماره ۲: عنوان: خرس جنگل (۲۰۱۰)، تکنیک: روغن، آکرلیک و لعاب بر روی بوم، اندازه: ۲۴۳/۸x۳۰۴/۸ اینچ ۱۲۰x۹۶ سانتیمتر

از فعالیت‌های هنری اسکارف در سال‌های دهه ۱۹۸۰ می‌توان به چیدمان گنجه^[۲۲] و نقاشی «وقتی جهان تصادف می‌کند»^[۲۳] (۱۹۸۴) اشاره کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ نقاشی‌های «ذره کوچک»^[۲۴] او تحت تأثیر سوررئالیسم و اکسپرسیونیسم بود. از آثار اخیر او می‌توان از «آینده طبیعت»^[۲۵] (۲۰۱۰) نام برد که تحت تأثیر نشت نفت در برزیل و وضعیت زیستی ساحل برزیل است. این اثر خلاصه‌ای از چرخش رنگ سیاه است. (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۳: عنوان: وقتی جهان تصادف می‌کند (۱۹۸۴)، تکنیک: روغن و رنگ‌آمیزی لعاب بر روی بوم، اندازه: ۳۰۹/۸۸x۵۳/۸۶ اینچ ۱۲۲x۲۰۹ سانتیمتر

در حوزه گرافیتی نام کنی اسکارف را می‌توان در کنار هنرمندانی چون کیت هارینگ و ژان میشل باسکیا یافت. هر سه از هنرمندان گرافیتی مستقل و کاملاً آمریکایی هستند. باسکیا با نام مستعار «سامو»^[۲۶] با مهارت بسیار و تسلط تجسمی‌اش جاذبه زیبایی‌شناختی طراحی خط خطی، عناصر سبکی اکسپرسیونیسم انتزاعی و پاپ آرت را در هم می‌آمیزد تا نقاشی‌های عظیم و جسورانه بیافریند. برخلاف او کیت هارینگ آموزش هنر دید، اما به سبب مضمون نگاری علمی-تخیلی و نقش‌اندازی بدوی با مایه‌های تحریک‌کننده در زمره هنرمندان گرافیتی به شمار می‌آید (یکولا، ۱۳۸۷). باسکیا، هارینگ و اسکارف در سال ۱۹۹۷ در گالری هنرهای زیبای لئومالکای نیویورک نمایشگاه مشترکی داشتند. اسکارف که با هارینگ دوست و هم‌اتاقی بود در مستند «جهان کیت هارینگ»^[۲۷] شرکت کرد. اسکارف با هارینگ اولین چیدمان تیره روشن^[۲۸] خود را در آپارتمان میدان تایمز به نام «گنجه

26- Samo

27- "The Universe of Keith Haring".

28- blacklight disco installations

22- Closet

23- When Worlds Collide (1984).

24- Glob

25- Naturafutura



کیهانی»^[۲۹] انجام داد. و بعدها این مدل به تجسمی‌ترین اثر او به نام «غار کیهانی»^[۳۰] شد (تصویر شماره ۵).

اسکارف در سال ۲۰۰۴ نیز در مستند «آهنگ نومی»^[۳۱] که درباره دوستش «کلاوس نومی»^[۳۲] خواننده اپرا بود، حضور یافت. در سال ۲۰۱۰ کنی اسکارف با جو گریل^[۳۳] و لورا گرنت^[۳۴] برای یک برنامه در هتل «ان.وای.سی»^[۳۵] به سرپرستی کتی گریسون^[۳۶] همکاری کرد.

ظهور فرهنگ پاپ در هنر خیابانی

از زمانی که شهرت اسکارف در اواخر سال ۱۹۸۵ بیشتر شد، به آرزوی خود که برپایی نمایشگاهی با عنوان «هنر در



تصویر شماره ۶: عنوان: بدون عنوان، تکنیک: آکرلیک بر روی بوم، اندازه: ۱۲/۵ x ۱۲/۵ اینچ ۳۱/۷۵ x ۳۱/۷۵ سانتیمتر



تصویر شماره ۷: عنوان: کادیلاک (۱۹۸۴)، تکنیک: آکرلیک، اسپری رنگ و اشیاء یافت شده بر روی کادیلاک مدل ۱۹۶۱

- 29- «cosmic closet»
- 30- «Cosmic Cavern».
- 31- The Nomi Song
- 32- Klaus Nomi
- 33- Joe Grill
- 34- Laura Grant
- 35- Kathy Grayson
- 36- The Hole NYC

هنرمند حرفه‌ای این است که درس‌هایی را که سی سال پیش با شروع کارم در حوزه نقاشی، مجسمه، اجرا و چیدمان داشتم را حفظ کنم. هر پروژه‌های که اجرا می‌کنم براساس تجربیات گذشته من است. رویکرد اصلی من تغییر نکرده است؛ این یک چالش شخصی است که هر زمان بهترین اثر ممکن را تولید کنم. نکته خبیلی مهم و راهنمایی اصلی برای کارهایم دستیابی به مرزهای فراتر از نخبگی در هنرهای زیبا است و ارتباطی که با فرهنگ عامه از طریق کارهایم برقرار می‌کنم. آرزوی شخصی من همیشه این بوده که مثالی از زندگی باشم.»

در مصاحبه‌ای که کیت هارینگ از کنی اسکارف انجام داد وی کاروانش‌ها و پمپ بنزین‌ها را برای نقاشی خود معرفی کرد. جای در میان مردم و در کنار آن‌ها. البته علاقه اسکارف به ماشین و اجزای فرهنگ پاپ حس مسئولیت پذیری نسبت به طبیعت را در وی بیدار کرده است. نقاشی‌های او درباره آلودگی هوا که هوای لوس آنجلس آلوده به دود را نشان می‌دهد، بزرگراهی را بعد از زلزله به تصویر می‌کشد، درختان نخلی که در آتش گیر کرده‌اند و نشن نفت در ساحل برزیل نمونه‌های از این دست هستند (تصویر شماره ۶).

یکی از کارهای اجرای وی با ماشین، چیدمان کادیلاک مدل ۱۹۶۱ که با همکاری آن‌مگنوسون^[۳۹] انجام داد (تصویر شماره ۷). اسکارف می‌گوید: «مدل کادیلاک‌های ۵۷ تا ۶۲ خیلی زیبا هستند که من مدل ۵۹ را دوست دارم. زیرا همه چیز خوش بینانه و شبیه به آینده بود. الان همه آن چیزهای که روزی آرزو بود، اتفاق می‌افتد و همه چیز در فضای فانتزی ممکن می‌شود. کل فناوری ما فانتزی است. زندگی ما فانتزی است و نشان از کنترل بر روی زندگی دارد.» علاقه وی به ماشین و ساخته‌های دست بشر، همگامی او با آنچه مورد علاقه همه مردم معاصر وی است، نشان می‌دهد. هم‌گامی و علاقه‌مندی به فرهنگ پاپ. هنری که در ارتباط با فرهنگ عامه ساخته می‌شود و دوباره به فرهنگ باز می‌گردد.

از تفکر پاپ تا سوررئال

زندگی مدرن، احساس انسان را نسبت به جریان زمان شدت بخشیده و ما را هر چه بیشتر با منافع و سوسه آمیز جوامع انسانی آشنا می‌سازد، اینها همه چیزهای هستند که در بطن تعداد کثیری از آثار پاپ-آرت هم قابل ادراک هستند. شیوه‌های برقراری ارتباط از نظر هنر پاپ مانند فرآیندی پویا و محیطی مملو از استعارات و مفاهیم هنری است، نه به عنوان زمینه‌ای که سبک، محتوا و تکنیک‌های قالبی آن باید بدون داشتن اندیشه انتقادی و به طور مکانیکی تهیه شوند (هانتز، ۱۳۷۸).

هنر پاپ تنها وصله و کولازی از علائم و نشانه‌های زندگی روزمره نیست، درک زندگی فراتر از تکرار روزانه آن، شکل دهنده هنر پاپ است. نشانه‌های که در زندگی عادی انسانی تکرار می‌شود وقتی به ناخودآگاه ذهن راه می‌یابد، منجر به ترکیب مفاهیم پاپ و سوررئال می‌شود. این ترکیب در زبان هنر شکل دهنده نشانه‌های پاپ-سوررئال است و این اتفاقی بود که برای کنی اسکارف رخ داد.

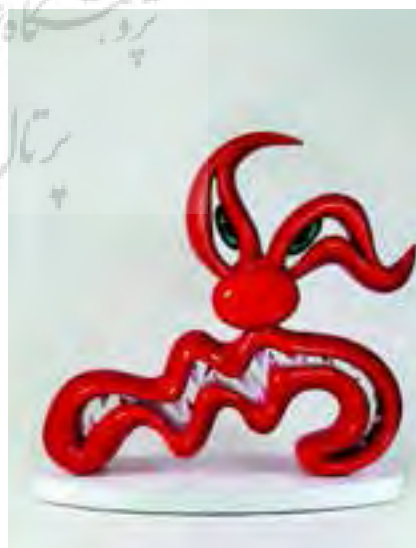
تمرین‌های چند شاخه‌ای اسکارف در محدوده هنر پاپ و نشانه‌های علمی-تخیلی در آثارش به همراه موجودات یک چشمی، هیولاهای شیطان، مجسمه‌ها، شیرینی‌های دونات، نمونه‌های سفارشی^[۴۰] و دیگر کارهای رنگارنگ که همگی به حالت معلق، در فضا قرار دارند تأییدی بر حرکت‌های تاریخی به هنرهای گذشته نظیر پاپ و سوررئالیسم است (تصاویر شماره ۸، ۹ و ۱۰).

موجودات تخیلی، شخصیت‌های فانتزی و صورتک‌های بیومورفیک اسکارف از دوران کودکی او می‌آید هنگامی که بدون هیچ محدودیتی ساعت‌ها به تماشایی تلویزیون می‌پرداخت. تصاویر و رنگ‌های تلویزیون همراه با اشکالی که در کوچه و خیابان می‌دید

خیابان‌ها^[۳۷] بود در موزه هنرهای معاصر لوس آنجلس^[۳۸] جامعه عمل پوشاند و چنین هنرخیابانی را وارد فضای گالری کرد. در کل دو تحول در اواخر دهه ۷۰ گرافیتی را به گالری‌های هنری کشاند. یکی سرکوب نقاشی دیواری در مترو توسط شهرداری‌ها و دیگری شکوفایی صحنه‌ای در روستای شرق، جای که در آن شور و اشتیاق جوانی، شورش بی‌قیدی و خودانگیختگی ارزشی غالب داشت و هنرمندانی مانند کیت هارینگ، کنی اسکارف و ژان-میشل باسکیا حضور داشتند که در گرافیتی درگیر و ستاره‌های بزرگی بودند.

اسکارف روی آوردنش را به هنر خیابانی نتیجه اعتراض و شورش نسبت به وضع موجود می‌داند. شورش در نزدیک کردن هنر و زندگی به یکدیگر، زیرا تمام چیزهای جالب و هیجان‌انگیز برای او در خیابان است. البته اسکارف برچسب هنرمند خیابانی را نمی‌پذیرد زیرا در آن زمان او تنها با گروهی از هنرمندان و ساکنان لوس آنجلس همراه بود که با اسپری نقاشی می‌کردند. اسکارف خود می‌گوید من هنرمند گرافیتی نیستم! و تنها با مردم لوس آنجلس زندگی می‌کنم. به اعتقاد او گرافیتی تنها در سبک کار گرافیتی نیست بلکه گرافیتی به هنر، فانتزی و پیامی است که منتقل می‌شود.

اسکارف در سایت رسمی اش اهداف خود را چنین می‌داند: «خواستنه من به‌عنوان یک



تصویر شماره ۸: عنوان: قرمز ترسناک (۲۰۱۳)، تکنیک: لعاب و الماس اتمی در قالب فایبرگلاس، اندازه: ۵/۵x۳۶/۵x۱۰۳/۹۶

37- Art In the Streets

38- Museum of Contemporary Art, Los Angeles

39- Ann Magnuson

40- Customized





تصویر شماره ۹: عنوان: انواع دونات‌ها (۲۰۱۱-۲۰۱۰)

به عقیده اسکارف آنچه ما فکر می‌کنیم پاپ است، بخشی از ناخودآگاه ما است. همه نمادها و فشارهای بیش از حد تلویزیون و رسانه‌ها، آنچه از اخبار دریافت می‌شود، تصاویر جت‌ها، سنگه‌ای آتش‌زا، هیولاها و تمام چنین چیزهای به درون تزریق می‌شود. برخی اوقات همه رویاها و خوابهای ما و آنچه از گذشته دریافت کرده‌ایم همگی در ناخودآگاه

همه به شکل صورتک‌های فانتزی در مقابلش ظاهر می‌شوند، حتی پنجره و در ساختمان را اجزای صورت می‌دید. این نوع نگاه بعدها به پالت رنگش منتقل شد و منجر به وسواس او به رنگ شد و در فضای رنگ‌آلود پالت دوباره همین موجودات خیالی ظاهر شدند. اشکال فانتزی اسکارف به گفته خودش برخی اتم‌ها و مولکول‌ها و یا نوترون و پروتون موجود در ساختار سلولی است. موجودات تخیلی معلق در فضا در آثار اسکارف از علاقه او به فضای کیهانی سخن می‌گوید. او با اشتیاق از ستاره‌ها و سیاره زمین که جزء کوچکی در کهکشان راه شیری است، صحبت می‌کند. او رفتن به کره ماه را در مقابل عظمت فضای کیهانی کار کوچکی می‌داند و هنوز از دنیای علمی-تخیلی انتظار بیشتری دارد.

مجموع آثار اسکارف در حوزه نقاشی، مجسمه، آثار سفارشی، نقاشی دیواری، چیدمان، ویدئو، تولیدات، چاپ، کلاژ، مجموعه دوربختنی‌ها^[۴۱] و چیدمان گنجه قابل تقسیم‌بندی است. حضور چهره‌های کارتونی، شخصیت‌های فانتزی و بیومورفیک نقطه مشترک نقاشی‌های دیواری، آثار نقاشی، تولیدات، آثار سفارشی و مجسمه‌های او هستند (تصویر شماره ۱۱).



تصویر شماره ۱۰: عنوان: جاروبرقی (۱۹۸۲)

ارتباط اسکارف با جامعه و در واقع زندگی کردن، او را از پاپ آرت به پاپ لایف^[۴۲] می‌رساند. اسکارف در عین حالی که هنرمند پاپ است آن را نقد می‌کند. او این عمل هنرپاپ که نماد می‌سازد و همه آن‌ها را به عنوان هنر معرفی می‌کند، پوچ می‌داند. زیرا این به معنای بیرون کشیدن شیء از جای که هست و قرار دادن آن به عنوان هنر است. درحالی که این نمادها به عقیده وی از درون ما می‌آید. ما با آن‌ها بزرگ می‌شویم و بخشی از ناخودآگاه ما می‌شود. این واقعاً هنر پاپ نیست بلکه بخشی از زندگی و وجود ما است.

41- Lixo

42- Pop life

هم از ابهام موجود در مکتب سوررئالیسم بهره‌مند بود.

اسکارف در مورد هنر پاپ معتقد است: «یکی از مهم‌ترین و راهنمای اصلی من در کارم این هست که به فراتر از مرزهای نخبه‌گرایی هنرهای زیبا دست بیابم و از طریق آثار من بتوان با فرهنگ پاپ ارتباط برقرار کرد. خواسته شخصی من این است که همیشه مثالی از زندگی باشم. من معتقدم هنرمند مسئولیت اجتماعی دارد که با دیگران در فرآیند فکر کردن ارتباط برقرار کند که به صورت منبع بی‌پایانی از ایده‌هایی هستند که در زندگی روزمره وارد می‌شوند. بنابراین، کیفیت تجربه‌های ما را افزایش می‌دهند.»

دیدگاه کنی اسکارف نسبت به هنر پاپ این است که «در هنر پاپ شما قوطی را برمی‌دارید و تصور می‌کنید و می‌گویید اکنون این هنر است اما این خیلی با نسل من متفاوت است. به همین دلیل است که من آن را پاپ سوررئال نامیدم زیرا از ناخودآگاه بیرون می‌آید و این یک تفاوت بزرگ است اولین تصویری که شما جذب می‌کنید چیزی که از درون می‌آید.»

نتیجه‌گیری

کنی اسکارف هنرمند گرافیتی با گرایش پاپ-سوررئال است. فضای کاری او محدود به بوم و دیوار نیست، او از هر بستری برای بیان ایده‌هایش استفاده می‌کند. ایده‌هایی که به گفته خودش از زندگی با مردم عادی به آن‌ها دست یافته است. اسکارف نشانه‌های فرهنگ پاپ را که دیگر وارد زندگی او شده است و به ناخودآگاه ذهنش راه یافته است در عالمی سوررئالیستی به تصویر می‌کشد. موجودات خیالی در فضای کیهانی از عالم فانتزی اسکارف سخن می‌گویند. در زمینه این موجودات خیالی حروف و کلمات تداعی‌کننده فرهنگ پاپ و البته زندگی پاپ است.

اسکارف دیوارهای شهر را از فرهنگ پاپ و گرافیتی پر می‌کند. در نگاه اول موجودات خیالی و شخصیت‌های کارتونی او قابل تشخیص هستند. اسکارف از هنرخیابانی الهام می‌گیرد و با مردم در خارج از جهان هنر از طریق هنر خیابانی ارتباط برقرار می‌کند. به اعتقاد دنیس هاپر^[۴۹]، عکاس، مجموعه‌دار و کارگردان، یک ارتباط کهکشانی در کارهای اسکارف است. مفهوم و حسی که موجودات کوچک و تخیلی در آثار او دارند احساس بیشتری را نسبت به تصاویر بزرگ یا تصویر انسان برمی‌انگیزد. ساخته‌های



تصویر شماره ۱۱: نقاشی بر روی دیوار ونوود، محل اجرا: ساحل میامی (۲۰۱۴)

49- Dennis Hopper

گنجانده شده است. اسکارف درباره سوررئال در آثارش می‌گوید: «سوررئال درباره ناخودآگاه است و من احساس می‌کنم اثر من درباره ناخودآگاه است» او می‌گوید: «ناخودآگاه من با تصاویر پاپ پر شده است. تعداد زیادی از هنرمندانی که بعد از جنگ جهانی دوم به دنیا آمده‌اند با این جمله موافقت.»

اسکارف مانند بسیاری از هنرمندان پاپ الگوی آثار خود را از تجلیات عامیانه و الگوهای تجاری-رسانه‌ای برگرفت. آنچه اسکارف را در زمره هنرمندان پاپ قرار می‌دهد الگوهای مشترکی است که در آثار او و اولین کسانی است که در هنر پاپ فعالیت کردند. آثار اسکارف با داستانهای مصور لیختنشتاین^[۴۳]، اعلان‌های تبلیغاتی روزنکوئیت^[۴۴]، آرم کالاهای ساده و یا تکراری وار هول^[۴۵]، نقاشی اغراقی از محصولات غذایی وسلمن^[۴۶] و نشانه‌های نگارشی و علائم جاده‌های روبرت ایندیانا^[۴۷] همسو است. مجموع تصاویری که اسکارف از فرهنگ و زندگی پاپ وام می‌گیرد در فضای سیال ذهنش شناور هستند. پشت زمینه این تصاویر پاپ و خیالی شده، فضای کیهانی، تصاویر چاپ شده و حروف و کلمات هستند (تصویر شماره ۱۲).

اسکارف با رجوع به گذشته و انتخاب سوژه‌های کمیک و تا اندازه‌ای از باب افتاده، شبیه به لیختنشتاین است، هنرمند پاپی که داستان‌های مصور و تصویر نشان کالاها را با بزرگنمایی در آثارش نشان می‌دهد. همگی منابع هنر پاپ، از جمله مبالغه‌های تبلیغاتی، اسلایدهای درهم و داستان‌های تصویری، تصاویری با کیفیت پایین و نسبتاً ابتدایی، تا نشانه‌های نوشتاری و نگارشی در آثار اسکارف مشاهده می‌شود.

ویژگی دیگر مشترک او و هنرمندان پاپ بهره‌گیری از الگوهای موجود در دو مکتب است. در آثار اسکارف هنر پاپ و سوررئالیسم در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد. همچون راثوشنبرگ^[۴۸] که از ابهام‌گویی هنر آبستره و

43- Roy Lichtenstein

44- James Rosenquit

45- Andy Warhol

46- Tom Wesselman

47- Robert Indiana

48- Rauschenberg



7 -Artist Interviews Haring,Keith ,Kenny Scharf,Keith Haring” ,Kenny Scharf :A Talk with Keith Haring“ ,Kenny Scharf, New York, New York. 1985-1998, Reprinted courtesy of Kenny Scharf and the estate of Keith Haring] .on-line,[available :http://www.artnet.com/usernet/awc/awc_history_view.asp

8 -Biography of Kenny Scharf]on-line ,[available: http://kennyscharf.com/

9 -Biography of Kenny Scharf] on-line ,[available: http://www.artnet.com/artists/kenny-scharf/biography

10 -Biomorphic]on-line [available :http://www.newdesign.ir/search.asp

11 -Facebook:Kenny Scharf]artist] (on-line,[available :https://www.facebook.com/pages/Kenny-Scharf85714059132/

12 -Hopper,Dennis” ,Dennis Hopper Interviews Kenny Scharf “,Kenny Scharf, New York, New York, 1996-1998. Reprinted courtesy of Dennis Hopper, Kenny Scharf and Tony Shafrazi. [on-line], available: http://www.artnet.com/usernet/awc/awc_history_view.asp

13-Kenny scharf From Wikipedia, the free encyclopedia [on-line], available: http://en.wikipedia.org/wiki/Kenny_Scharf.



تصویر شماره ۱۲: عنوان: فکر (۲۰۰۶)، تکنیک: روغن، آکرلیک، جوهرسیلک اسکرین و سنگ مصنوعی بر روی کاغذ، اندازه: ۲۲×۳۰.

دست انسان تاکنون ما را به فضای کهکشانی و عالم بزرگتری برده است.

کنی اسکارف مانند یک بچه خلاق بازگشتی به عقب می‌کند و این اشیاء را جذب می‌کند و آن‌ها را بخشی از زندگی ما می‌کند. آن چه اسکارف نقاشی می‌کند برآمده از رسانه‌های تلویزیون، ماهواره و تلفن است و اسکارف آن‌ها را به ما برمی‌گرداند درحالی‌که ما مالک آن‌ها هستیم. وقتی موجودات خیالی اسکارف در حال جشن و شادی هستند در همان زمان، تراژدی را بیان می‌کنند. تراژدی‌ای که کوتاهی زندگی ما را نشان می‌دهد. در هنر اسکارف لذت و تراژدی وجود دارد. زیرا از اشیای می‌گوید که ما آن‌ها را ترک گفتیم. ■

منابع

- ۱-استال، جوهرنس (۱۳۸۸)، هنر خیابانی، مترجم سامان هزارخانی، تهران: فخرآکیا.
- ۲-بکولا، ساندر (۱۳۸۷)، هنر مدرنیسم، مترجمان رویین پاکباز و دیگران، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۳-پارمزان، لوردانا (۱۳۸۸)، هنر قرن بیستم: جنبشها، نظریه‌ها، مکاتب و گرایشات ۱۹۰۰-۲۰۰۰، مترجمان مریم چهرگان، سمانه میرعابدی، تهران: چاپ و نشر نظر.
- ۴-هانتر، سام (۱۳۷۸)، نقاشان معاصر آمریکا، مترجم مه‌ری میرزالی، تهران: برگ.
- 5-Art in Review ;Surrealism :Then & Now By MARTHA SCHWENDENER Published :November,3 2006on-line.[available:http://query.nytimes.com/gst/fullpage.html
- 6-ART REVIEW ;Aerosol Outlaws,Suddenly on the Inside Track By KEN JOHNSON Published :June,30 2006on-line.[available:http://query.nytimes.com/gst/fullpage.html